هفته نامه خبری-فرهنگی

امرداد

بی مرگی و جاودانگی

Amordad

An Iranian weekly Cultural newspaper

Amordad vol.4 No.85
Tuesday January.06.2004
1000 rials

۸ صفحه شماره مسلسل ۸۵ سال چهارم
پانزدهم دی ماه ۱۳۸۲ دوم ژانویه ۲۰۰۴ سه شنبه
۱۶ ذی قعده ۱۴۲۴ خورشیدی تکشماره ۱۰۰۰ ریال

۳

تختی برایم نمرده است

گفتگوی آرش کسروی با خیرالله امیری

۴

با صدای او اشعار مولانا جانی تازه گرفت .شجریان

۲

زرتشتیان هم در بازسازی بم مشارکت می کنند

از این رو هرکس چه دروغگو باشد و چه راستگو، چه دانشمند باشد و چه بی دانش ، آنچه را که در دل و سر دارد، برملا می‌کند . به پیروی از این اصل، انسان می‌تواند در آرامش و با فکر راحت از خود بپرسد : هرکدام از این دو طرز اندیشه مرا به کجا می‌رساند؟

اهنودگات، یسنا ۳۱ ، هات ۲ ، گاتها

این کنام هفت واد ویران شد و برای همیشه از دست رفت

گروه ایرانویج ـ الیکا بقایی ـ گر چه هنوز افسانه هایش همچون خودش در خواب مطلق فرو نرفته است ولی سکوت غم انگیز حاکم بر آن که داستان اردشیر بابکان و دختر هفت واد را در غربت به نظاره نشسته است گویای تمام ستم های روا شده بر این دژ خاموش است . ارگ بم نابود شد و تنها چیزی که از آن باقی ماند شماره ثبت ۵۱۹ در آثار تاریخی ایرن همراه با یک دفترچه خاطرات بسته شده است .

ارگ بم در ۵ طبقه بر روی صخره ای طبیعی از سنگ های آذرین در شمال شرقی بم از خشت خام پی ریزی شده و در بدنه آن از آجر ، سنگ و تنه خرما نیزاستفاده شده بود و خندق عمیق اطراف آن در گذشته حلقه ای حفاظتی برای این بنایی تاریخی و نظامی بود .

ارگ بم در هم شکست

در این دژ تا ۲۰۰ سال قبل قلبی تپنده وجود داشت و مردم در آن سکنی داشتند و حتی تا مدت ها پس از آنکه از حالت سکونتی خارج شد باز هم در هنگام یورش دزدان و دشمنان و احساس خطر پناهگاهی مهربان برای مردم بود .

روایات زیادی در مورد احداث آن گفته شده است و از آن جمله قصه دختر هفت واد می باشد که در شاهنامه نیز آمده است . روایت ابریشم سازو کرم ابریشمی که در داخل سیب دختر هفت واد بود و جایگاه او در کت کرم بوده است که این افسانه نیز همچون سایر داستان های شاهنامه ریشه ای واقعی دارد .

این روایت مربوط به رواج صنعت ابریشم سازی این منطقه است که شاید باعث شده بود که بم یکی از مراکز تجاری مهم به شمار آید.

علاوه بر اهمیت بازرگانی بم ، قرار داشتن این شهر در جاده ابریشم و به موازات آن راه دریایی ادویه است که از طریق آن تغذیه و یاری می شده است .

ادامه در صفحه ۵

سرگرمی نخست

ایران هفته‌ای ویژه را پشت سر گذاشت. وقتی بـامداد آدینه زمین لرزید و بم خاک شد ،هیچکس فکرش را هم نمی کرد کمک‌های مردم با آن حجم و با آن سرعت ، راهی دیار مصیبت زده شود. این رویداد اما روی داد تنها با اتکای ایرانیان به هویت خویش . هویتی که دو روی ملی و دینی آن را پیش از این نیز آشکار کرده بودیم.

ایرانی اما ناخودآگاه و بدون آنکه به هویتش بیندیشد به کمک شتافت . به کمک هموطن خود ،همکیش خود و همنوع خود . کسی از ایرانی نه خواهش کرد و نه برای این کار او پاداشی داد. او این کار را کرد ، چون ایرانی بود. ایرانی به کمک ایرانی رفت .تا اگرچه ارگ بم ،این نماد ملی‌اش را ویران شده می‌دید ، اما رفت تا شاید بتواند در میان ویرانه هایش ارگی تسخیرناپذیر از هویتش بسازد.

در میان پس لرزه‌های زلزله اما ، یک رویداد گم شد. «تساوی دیه غیر مسلمانان و مسلمانان» گم شده این هفته بود.گم شده‌ای که به حق سخنی از آن به میان نیامد . چه به راستی برای مردمی که اینگونه یاریگر یکدیگرند ، مسلمان و نامسلمان ، شهری و روستایی تفاوتی نخواهد داشت.

بی گمان از این نیروی بزرگ انسانی و این حس ناخودآگاه برخاسته از هویت ایرانی ، می توان استفاده‌های بهتری برد و آن را بیشتر به کار گرفت. تنها به کمی خردورزی و تنها به کمی آینده نگری نیاز است. باید بخواهیم تا بتوانیم.

آشنایی با نامزدهای نمایندگی مجلس هفتم :

پرسش های شما را کاندیداها پاسخ می دهند

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در نخستین روز از اسفند ماه بر گزار می شود .با نزدیک شدن به زمان انتخابات هفته نامه امرداد خویشکاری خود می داند تا با معرفی همه نامزد های نمایندگی ، برای انتخاب اصلح ترین آنان ، در کنار خوانندگانش قرار گیرد .

از همین روی تصمیم گرفته شد تا تمامی کاندیداهای نمایندگی مجلس هفتم ، در روز و ساعت مشخص ، به طور جداگانه پاسخگوی پرسش های شما باشند .هر یک از نامزدهای نمایندگی در روز و ساعت مشخص شده در جدول زیر در نشست پرسش و پاسخی که در محل دفتر هفته نامه امرداد برگزار خواهد شد ، حضور خواهند یافت .از تمامی کاندیداها به وسیله نامه برای شرکت در این نشست دعوت شده است . در این نشست خبرنگاران امرداد نیز پرسش‌های خود را مطرح خواهند کرد .

البته سعی خواهد شد تا در حد امکان پرسش ها با شرایط یکسان تنظیم شود .دو خط تلفن ۸۳۲۵۳۳۰ و ۸۳۲۵۳۳۱ در این ساعات و در هنگام برگزاری نشست پرسش و پاسخ در اختیار مردم قرار خواهند داشت تا هر گونه پرسش خود را به طور مستقیم مطرح کنند .

پیش بینی می شود حدود ۳۰ نفر از همکیشان بتوانند در این نشست حضور یابند .آن گروه از علاقمندان به دلیل محدود بودن ظرفیت‌لازم خواهد بود اسامی خود را برای شرکت در این نشست تا پیش از روز ۲۰ دی ماه به بنیاد فرهنگی جمشید و یا دفتر هفته نامه امرداد ارایه دهند .

گزارش این نشست ها و پاسخ‌های ارایه شده توسط نامزدها همگی در یک شماره ویژه که در تاریخ ۷ بهمن ماه چاپ می‌شود ، در کنار هم و با عکس و تفصیل یکسان به چاپ خواهد رسید .

ساعت و روز حضور هر کدام از نامزدهای نمایندگی در دفتر امرداد که موافقت خود را اعلام کرده‌اند برای آگاهی خوانندگان در پی می‌آید . خوانندگان زرتشتی امرداد می‌توانند در این ساعات به صورت حضوری و با ثبت نام قبلی و یا تلفنی پرسش‌های خود را با نامزدهای مختلف مطرح کنند:

۱- منوچهر فلفلی ... ساعت ۱۸ تا ۲۰ روزیکشنبه ۲۱ دی ماه
۲- مهران غیبی ..... ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز سه شنبه ۲۳ دی ماه
۳- فرامرز پوررستمی ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز پنجشنبه ۲۵ دی ماه
۴- کورش نیک نام..... ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز آدینه ۲۶ دی ماه
۵- جهانگیر اختر خاوری ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز سه شنبه ۳۰ دی ماه
۶- افلاطون ضیافت ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز پنجشنبه دوم بهمن ماه
۷- خسرو دبستانی.... ساعت۱۸ تا ۲۰ روز آدینه سوم بهمن ماه
۸- هوشنگ افشاری.. ساعت ۱۸ تا ۲۰ روز یکشنبه ۵ بهمن ماه
۹- ایرج نوذری که از کرمان نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شده است نیز اعلام کرد به خاطر بعد مسافت به تمامی پرسش ها به صورت کتبی پاسخ خواهد داد.

با حکم حکومتی

دیه غیرمسلمانان و مسلمانان برابر شد

گروه خبر امرداد ـ تهران ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام سر انجام پس از ماه ها ، قانون مجلس در مورد تساوی دیه غیر مسلمانان و مسلمانان را تأیید و تصویب کرد.

محسن رضایی ، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از نشست روز شنبه ۶ دی ماه این مجمع به خبرنگاران گفت : مصوبه مجلس این بود که ولی امر در مورد اقلیت های دینی تصمیم می گیرند و قوه قضاییه در نامه ای مکتوب از ایشان کسب نظر کند و هر چه ایشان نظر دارند ، عمل شود . وی افزود: اما شورای نگهبان این قانون را خلاف شرع دانسته بود .

بنا بر این گزارش ، در نشست مجمع تشخیص مصلحت نظام ، پس از ارایه نظر کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ، فتوای مراجع تقلید درباره این موضوع ، گزارش وزیر دادگستری و استدلالات شورای نگهبان ، اعضای مجمع به این نتیجه رسیدند که جنبه حکومتی این حکم بر جنبه های دیگر آن غلبه دارد .

رضایی افزود : مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه مجلس شورای اسلامی را در این زمینه شفاف تر و کامل تر تصویب کرد . به موجب مصوبه مجمع ، بر اساس حکم حکومتی رهبر معظم انقلاب اسلامی ، میزان دیه غیر مسلمانان به میزان یک فرد مسلمان است .وی تصریح کرد: نظر ولی امر هم این است که به این صورت عمل شود .

پیش از این و با تصویب مجلس قرار بود تا یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص برابری دیه غیر مسلمانان و مسلمانان اضافه شود .

خسرو دبستانی نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با خبرنگار امرداد گفت : حدود دو سال روی این قانون کار کردیم و پس از آنکه در مجلس تصویب شد ، کاملا به تصویب آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام امیدوار و مطمئن بودیم . وی از تمامی مسئولان مملکتی و دولتی برای تصویب این قانون تشکر کرد .

همچنین نمایندگان زرتشتیان ، کلیمیان ، آشوری ها و کلدانی ها و ارامنه شمال و جنوب در نامه ای مراتب سپاسگزاری و قدر دانی خود را از تصویب این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام ابراز کردند .

در بخشی از این نامه که خطاب به حجت الاسلام کروبی ، ریاست مجلس شورای اسلامی نوشته شده آمده است : جامعه اقلیت های دینی ایران خود را جدا از بافته های میهن اسلامی مان نمی داند و همچنان که در تمام عرصه های از شکل گیری انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران تا به امروز همصدا و همراه با تمامی آحاد میهن مان بوده است و برابری حق خود را با همه هموطنان به چشم می دید، نمی توانست تاب نابرابری دیه را تحمل کند ، که از صدر اسلام بر آن تأکید بوده است. برابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان از برگ های زرین نظام جمهوری اسلامی ایران است که همه به آن فخر می فروشیم . سپاس به مردان راستین انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران .

رضایی : مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه مجلس شورای اسلامی را در این زمینه شفاف تر و کامل تر تصویب کرد

یک مردم شناس

نباید از معماری قدیمی ایرانی ناامید شویم

گروه خبر امرداد ـ تهران ـ احمد جولایی مردم شناسی، استاد دانشگاه و عضو جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی در پی حادثه دلخراش زلزله بم به آنجا سفر کرده و در نخستین روز بازگشت خود از بم در مصاحبه کوتاهی با خبرنگار امرداد شرکت کرد:

وی که به عنوان یک مردم شناس و یکی از اعضای جمعیت هلال احمر به این شهر اعزام شده بود در تشریح اهداف خود گفت: چون رشته ام مردم شناسی است و فرهنگ عامه درس می دهم ، به حوادث اجتماعی که منجر به ایجاد تغییراتی در فرهنگ و نحوه زندگی مردم می شود علاقه دارم، در این سفر نیز دیدگاهم این بود که با استفاده از عکس هایی که گرفته‌ام کارشناسان معماری را متوجه این موضوع کنم که چه نوع ابنیه ای با چه نوع مصالحی مقاومت بیشتری از خود نشان داده اند و بناهای باقی مانده را چه چیزی سالم نگاه داشته.

این مردم شناس در تبیین پیشرفته بودن معماری سنتی ایرانی به خبرنگار ما گفت: کارشناسان معماری باید مطالعه کنند علت پایداری بناهای سنتی که با در نظر گرفتن معماری ویژه آن ساخته شده اند چیست؟ وی با تشریح اینگونه معماری در سازه های هلالی های طاق‌ها و وجود نفس گیر در اینگونه سقف ها گفت: یک دهنه طاق قدیمی در بم هست که حداقل ۱۵۰ سال قدمت دارد ولی فرو نریخته ، چرا؟ استوار ماندن این بناها به ما می آموزد که نباید از معماری قدیمی ایرانی ناامید شویم. باید راز سالم ماندن، راز مانایی این بناها را کشف کنیم و برای بازسازی شهر در آینده از آن استفاده کنیم.

این مردم شناس در باره احساسش در مورد ویرانی ارگ بم گفت: «ارگ بم» قدیمی ترین قلعه مرزی ایران بود که برای مقاومت در مقابل مهاجمان ساخته شده بود. امروز که ارگ را می بینم همه چیز تغییر کرده، دیگر نه دری هست نه دروازه ای، همه چیز فرو ریخته است. این دیدار آخرین خیلی تلخ بود، گویی قلعه محافظانش را از دست داده و افراد به قصد تصاحب به قلعه حمله می کنند، قلعه ای که حافظ بم بود خودش مظلوم و بی پناه به جای مانده است.

استاندار فارس :

آیین زرتشتی ، آیینی آسمانی و با اصالت است

گروه خبر امرداد ـ شیراز ـ شهرام پوردهی ـ آیین در گذشت اشو زرتشت پسین آدینه ۵ دیماه در تالار روانشاد یزدانی شیراز برگزار شد .

بنا بر این گزارش ، با پایان یافتن این آیین ، مراسم بزرگداشت فرهنگ زرتشتی در سال ۲۰۰۳ از ساعت ۵/۳۰ پسین آغاز شد . در ابتدای مراسم گاتها خوانی توسط گروهی از جوانان زرتشتی انجام شد . سپس دکتر ابراهیم انصاری لاری ، استاندار فارس در سخنانی ضمن ابراز خوشحالی از حضور در بین پیروان دین پاکی ومهر، دوستی و عشق افزود : « به نوبه خودم سال ۲۰۰۳ را که به همت یونسکو سال بزرگداشت و نکوداشت اندیشه های پاک و آسمانی پیامبر ایرانی حضرت زرتشت نامگذاری شده است را گرامی می دارم و آرزو می کنم که خداوند همه ما را به سوی پاکی و راستی و عشق ومحبت و زیبایی و شادی هدایت کند و اینکه یونسکو چنین اهتمامی کرده است و سال ۲۰۰۳ را به بزرگداشت اندیشه های حضرت زرتشت اختصاص داده است نشان از اصالت و حقیقت این آیین آسمانی دارد و باز برای ما ایرانیان بسی افتخار است که سرزمین بزرگ ایران مهد پیدایش و پرورش یکی از انبیا و رسولان الهی ، زرتشت بزرگ بوده است .»

وی در ادامه سخنانش گفت : « نقل است در هنگام تولد پیامبر بزرگ ایرانی حضرت زرتشت برخلاف همه اطفال دیگری که با گریه ورود خود را به دنیا اعلام می کنند ،ورودش را با لبخندی زیبا به جهان آفرینش اعلام می کند و این نقل و روایت حتی اگر حقیقت نداشته باشد ، نشان دهنده ارزش شادی و دوستی ، لبخند و مهربانی در این آیین باشکوه است .»

وی ضمن اشاره به معنای بندهایی از گاتها و تاکید زیاد آیین زرتشت بر صلح و دوستی گفت : « این همان پیام مشترک همه پیامبران الهی است و این همان جوهره ارزشمند ادیان الهی است که همه بر محور محبت و عشق و دوستی حرکت می کنند و هر گونه خشم و خشونت را برنمی تابند .»

وی در پایان سخنانش گفت : « پیروان آیین زرتشت در کشور بزرگ ما ایران باعث افتخار و مباهات ما هستند ، این مردمان خوب در اقصی نقاط کشور و به خصوص در شهر ما شیراز به پاکی ، صداقت و صفا زبانزد هستند و طبیعی هم هست که پیروان پیامبری که بزرگترین پیامش اندیشه و گفتار و کردارنیک بود ، باید هم در عمل این آموزه بزرگ الهی را به کار بندند»

این گزارش می افزاید : بعد از سخنان استاندار فارس پرده اول نمایش مانترن به اجرا درآمد و سپس خسرو دبستانی نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی سخنانش را با خواندن بندی از گاتها آغاز کرد و فرهنگ زرتشتی را فرهنگ پیروی از اندیشه و گفتار و کردار نیک ، فرهنگ کار و کوشش و آبادانی ، فرهنگ یکتاپرستی ، احترام متقابل و خدمت به هم نوع است . وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت : امروز زرتشتیان به پیروی از نیاکان خود و با سپاس از رئیس جمهور محبوبشان که گفتگوی تمدنها رادر جهان پیشتاز و مطرح می نماید همگام با سایر هم میهنان خود و با فراگیری علم و دانش در پیشرفت و ترقی و سازندگی کشور عزیز خود ایران می کوشند" وی همچنین از توجه ویژه و کمکهای جمهوری اسلامی ایران به اقلیتها تشکر و قدر دانی نمود .

پس از سخنان وی پرده دوم نمایش مانترن اجرا شد و در ادامه مودبد یار کوروش نیکنام طی سخنانی ازحضور دولتمردان در مراسمهای بزرگداشت فرهنگ اشوزرتشت قدر دانی کرد . وی در بخشهایی از سخنان خود به اسطوره زدایی در فرهنگ زرتشتی اشاره نمود .

پس از سخنان وی سرود خوان اشم وهو توسط گروه سرود انجمن زرتشتیان شیراز به اجرا درآمد و پرویز غیبی سروده ای را در وصف اشوزرتشت خواند.

پایان بخش این مراسم بزرگداشت اجرای پرده سوم نمایش مانترن بود. نمایشی که با تلاش شبانه روزی گروهی از جوانان زرتشتی شیراز و خانواده هایشان برای این مراسم آماده شده بود. نویسندگی این نمایش را ناهید فلفلی و مهوش نامداریان و کارگردانی آن را اردوان بخشی زاده و اشکان فرهادی و گریم بازیگران این نمایش را افشین بخشی زاده و معصومه اسفندی برعهده داشتند .

نمایش مانترن که نگاهی گذرا اما عمیق به زندگانی اشوزرتشت و تحولات و وقایع زمان وی داشت با متن (دیالوگ)و بازی بسیار قوی بازیگران در لحظات پایا نی پرده آخر به قدری حاضرین را تحت تاثیر قرار داد که حاضرین در تالار در حالی که اشک می ریختند ، به تشویق ایستادند .

در حاشیه :

ـ در این مراسم جمعی از مسئولان استان فارس حضور داشتند که می توان به حضور استاندار فارس و همراهان ، فرماندار شیراز ، رییس اداره اوقاف ناحیه ۳ و رییس اداره امور اقلیت های مذهبی شیراز اشاره کرد .

ـ لحظاتی پس از آغاز مراسم بزرگداشت ظرفیت تالار تکمیل شده بود و عده ای از همکیشان ایستاده برنامه ها را تماشا کردند .

ـ در این مراسم از حاضرین با شیرینی ، چای و لرک و شام پذیرایی به عمل آمد .

آیین در گذشت اشو زرتشت در کرمان نیز در بامداد آدینه ۵ دیماه در محل آتشکده کرمان با حضور همکیشان کرمانی ، در حالی که بسیاری از آنها با چشم های نگران منتظر شنیدن خبر های زلزله بم بودند ، با جشن خوانی برگزار شد ، ضمن آنکه حاضرین ناهار را مهمان انجمن زرتشتیان کرمان بودند .

در میان رسانه‌ها

براستی زرتشت ایرانی نیست !؟

روزنامه اعتماد دوشنبه اول دی ماه در شماره ۴۴۰ خود زیر این تیتر نوشت:

اخیرا زمزمه‌هایی شنیده شد، مبنی بـر اینکـه دولـت همسایه و برادر تاجیکستان ، از سازمان بین‌المللی یونسکو خواسته تا «زرتشت» را به عنوان یکـی از شخصیت‌های فرهنگی این کشور معرفی کند.

البته هنوز از بابت تصویب یا رد این پیشنهاد توسط سازمان بین المللی یونسکو مطلـع نیستیم ، اما جهت پیگیری سعی کردیم تا نظر چند نفر از صاحبنظران در این مورد را جویا شویم .

دکتـر احسـان نـراقی ، پـژوهشگر ، جامعه‌شناس و مشاور سازمان یونسکو در این باره گفت: تا جایی که مطلع هستم سازمـان یـونسکـو از ثبـت چنین چیزی خودداری کرده است ، اما با توجه به عدم توجـه مسـوولان فرهنگـی بـه موضوع میـراث فرهنگی نباید از شنیدن چنین زمزمه‌هایی متعجب شویم .

وی در ادامه گفت: سالها است به علت برخی جریانات و جانبداری‌های بیهوده به برخی سنن و شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی ایران بی‌اعتنایی شده است و این بی‌اعتنـایی موجب شده تا برخی همسایگان و کشورهای نزدیک و دور به فکـر غـارت میـراث فرهنگـی و ثبت شخصیت‌های فرهنگی به نام کشور و ملت خود باشند.نراقی تاکید کرد: تاکنون شاهد بوده‌ایم کـه ادعـاهـایی صورت گرفته و برخی کـشـورهـا اعـلام کـرده‌انـد کـه بعضی شخصیت‌های فرهنگی ایران متعلق به آنـها است. مثلا چون مقبره نظامی در گـنجـه ، رودکی در دوشنبـه ، سنایی در غـزنیـن ، مـولـوی در قونیه ، امیر خسرو دهلوی در دهلی و... بوده است ، پس این شخصیت‌ها متعلق به ممالکی غیر از ایران هستند. در حالی که این از عظمت فرهنگ و تمدن ایران است؛ فرهنگ و تمدنی که در جهان گسترده است .

«رستم آبادیان» ، رییس انجمن زرتـشـتیـان ایران(تهران) دربـاره طـرح دولـت تاجیکستان به سازمان بین‌المللی یونسکو مبنی بر ثبت شخصیت فرهنگی ، تاریخی زرتـشـت به نام یکی از شخصیت‌های فرهنگی تاجیکستان ، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: چندی پیش ، نامه‌یی از سازمان بین‌المللی یونسکو دریافت کردیم که در آن نامه از انجمن زرتشتیان ایران به دلیل حفظ و نگهداری میراث زرتشت تشکر و قدردانی شده بود اما در مورد ادعا و پیشنهاد دولت تاجیکستان بی‌اطلاعیم و نمی‌دانیم این امر تا چه اندازه صحت دارد.آبادیان در ادامه به نبود موقعیت‌های مناسب برای حفظ ارزش‌های کهن دینی و فرهنگی و تاریخی سرزمین ایران اشاره کـرد و گفت : تا زمانی که در حفظ و نگـهداری میراث‌های فرهنگی و معنوی و دینی خود در سرزمینی که مهد تمدن مـیان رودان (بین‌النهرین) بوده است ، تلاش نکنیم ، این زمزمه‌ها و ادعاها دور از ذهن نیست و نباید از شنیدنشان متعجب شویم .

ما مردمان ایران زمین خودمان را با عظمت فرهنگ و تمدن ایرانی قانع می‌کنیم اما نسل‌های آینده ایران نیز با این دلیل قانع می‌شوند؟

چندی پیش در حاشیه جشنواره تئاتر بین‌المللی ایران‌زمین ، مجالی دست داد تا چغازنبیل و آپادانا را از نزدیک ببینم . چغازنبیل از دل تاریخ سر برآورده و با همه بازی‌های روزگار ، پرشکوه بر سینه خاک ایستاده است ، روی پای خودش . از آپادانا اما تقریبا هیچ نمانده جز روح سرگردان تمدن پرشکوهی بر تپه‌یی . در چغازنبیل وقتی آجر نبشته‌یی را یافتیم که با سهل‌انگاری مثل سنگی بی‌ارزش در دل دیوار قرار گرفته بود، دلم گرفت .

دلم گرفت که چرا دیگران با وصله و پینه و به هزار ترفند می‌خواهند تاریخ بسازند برای خود و ما دست روی دست گذاشته‌ایم که همه چیز در انبوهی سهل‌انگاری و فراموش‌کاری‌مان گم شود. وقتی از احسان نراقی پرسیدیم که آیا ماجرای ثبت زرتشت به نام تاجیکستان در یونسکو صحت دارد او گفت که اگر صحت داشت زیاد تعجب نکنید که فهرست آثار و شخصیت‌های ایرانی ثبت شده به نام دیگر کشورها، فهرست بلند بالایی است ....

پیاده‌اشت

امیدکاجیان

بزرگداشت فرهنگ زرتشتی ، زیبا اما ناتمام !

بی گمان دو روز برگزاری همایش بزرگداشت فرهنگ زرتشتی‌از روزهای باشکوه و به یاد ماندنی جامعه زرتشتی به شمار می رفت که هر کس به میمنت نامگذاری آن به خود و ایرانش بالید و در این میان هم نباید تلاشهای انجمنها و سازمانهای مختلف را در برگزاری این همایش نادیده گرفت . به ویژه مراسمی که در تالار فردوسی دانشگاه تهران با حضور جمع کثیری از مردم بدین منظور برگزار شد . اما در این میان سوالی که مطرح می شود پیرامون کسانی است که باید از میان مردم برای حضور در این مراسم دعوت می شدند که چنین نشد، و این دسته ، مردمی هستند که بار سنگین و پر معنای یک شخصیت فرهنگی را بر دوش خود احساس می کنند.

بی گمان در برگزیدن و اولویت بندی افراد شایسته، جای بسیاری از دبیران و استادان جامعه زرتشتی خالی بود که چه بسا از جهات بار اندیشه و خرد رسا از بسیاری کسان که نام اندیشمند جامعه بر آنها گذارده می شود پیشی جسته اند. ولی افسوس که این قشر زحمتکش اینبار نه تنها در جامعه بیرون بلکه در جامعه خودی هم مظلوم واقع شدند و بار دیگر مقام ارزشمندشان نادیده گرفته شد که این جای بسی افسوس و نومیدی دارد.

مگر نه اینکه یک همایش فرهنگی نیاز به یک انسان فرهنگی دارد؟ پس چگونه است انسانی که از گوشت و پوست خود مایه می گذارد ، تا به فرزندان این مرز و بوم فرهنگ بیاموزد ، و به آنها ایرانی بودن و ایرانی زیستن را آموزش دهد ، از این مراسم محروم می شود؟چه شد که این قشر فرهیخته که درباره آنها شعارهای مختلفی داده می شد به ناگاه فراموش شده و به جز گروه معدودی ، حق شرکت در این همایش از آنها گرفته شد؟اگرقشری که دانش آموزی و خردورزی ، این تعالیم پاک«اشو» زرتشت را سرلوحه راه خود قرار داده اکنون حق شرکت پیدا نکرده پس چه کسی سزاوار حضور در این همایش است؟

آیا این اهانت به شان بزرگان نیست؟

حال پرسشی در این باره به ذهن می رسد: نوع گزینش و ملاک دعوت شدگان چگونه بوده است که بسیاری سزاوارتر از حضور باز ماندند؟آن چه مسلم است آن است که در اینجا هیچ نوع گزینش نمی باید و نمی تواند وجود داشته باشد. چرا که همه فرهنگیان جامعه زرتشتی شایسته حضور در این همایش بودند که متاسفانه چنین نشد و به نظر می رسد که در اینجا هم کمی کم لطفی شد و روابط بر ضوابط چیرگی یافت ! و این همه سبب آن شد که بسیاری از فرهنگیان از این بابت دلخور شوند و در این میان سهم کسانی که در راه فرهنگ ایران ، سالیان سال تلاش کرده اند ، دو چندان است و شگفتا در جمعی که حتی کودکان خردسال بین مدعوین دیده می شدند! جای دبیران و استادان بسیاری خالی بود و به آن اندک فرهنگیان شرکت کننده نیز احترامی درخور نهاده نشد، به ویژه استاد پرویز شهریاری ، شهریار ریاضیات ایران ،که با وجود بازگو کردن سخنانی تازه ،روشنفکرانه و شجاعانه متاسفانه از ادامه سخنرانی محروم شد!

ای کاش چنین نمی شد!

علی رغم اعلام قبلی به دلیل دو پیش پروی انتخابات

کنکاش یگانگی تعطیل نخواهد شد

گروه خبر امرداد ـ تهران ـ نشست های کنکاش یگانگی که قبلا از سوی خسرو دبستانی ، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی به مدت یک ماه و نیم تعطیل اعلام شده بود، در زمان های معمول ادامه خواهد داشت.

به گزارش خبرنگار امرداد ، دبستانی که در هفتصد و سی و هفتمین نشست کنکاش یگانگی خبر تعطیلی موقت جلسات این کنکاش را به مدت یک ماه و نیم داده بود ، طی یک مصاحبه تلفنی به خبرنگار ما گفت: به دلیل در پیش بودن انتخابات تصمیم گرفته است جلسات کنکاش را تعطیل نکند.

در این نشست همچنین باشندگان از وقوع زلزله در شهرستان بم و جان باختن هم میهنان بمی و تعدادی از زرتشتیان این شهر ابراز تأسف کردند.

فرامرز پوررستمی ،بازرس انجمن زرتشتیان تهران در این مورد گفت : یک کلونی زرتشتی که در شهر بم وجود داشت ،از بین رفت. و اگر دقت نکنیم دیگر هیچگاه تشکیل نخواهد شد. وی با اشاره به کمک های نقدی و غیر نقدی انجام شده از سوی ارگان های مختلف افزود : مهم تر از این کمک ها ،تفکری است که مدیران ارشد جامعه باید بکنند تا این مرکز زرتشتی نشین را زنده نگه دارند. مطلب مهم آن است که این مرکز بماند ، زرتشتی در آن باشد و اوستا خوانده شود.

سهراب سلامتی یکی از هموندان هیئت اجرایی انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی در حوزه زرتشتیان ، در مورد بررسی صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس گفت: اعضای هیئت اجرایی همگی نیت خیر و هماهنگی دارند . وی اظهار امیدواری کرد تمامی کاندیداها از سوی این هیأت تأیید شوند. وی با اشاره به استعلام هایی که از چهار مرجع کشور در مورد نامزدها انجام می شود افزود: هیئت اجرایی بدون توجه به مثبت یا منفی بودن این استعلام‌ها ،همه را تأیید می کنند اما این به خود کاندیدا بر می گردد که اگر می داند که پرونده‌ای دارد ،نامزد نمایندگی نشود چون ممکن است از سوی هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت شود.

در این نشست بسیاری از باشندگان انتقاداتی را به نحوه پخش کارت و مدیریت این برنامه ابراز کردند. سرگرد پرویز شهریاری در ضمن سخنان خود از هفته نامه امرداد خواست تا از مردم در مورد تولیت فرهنگی جامعهٔ زرتشتی و این که چه ارگانی متولی فرهنگی جامعه است ، نظر خواهی کند.

زرتشتیان هم در بازسازی بم مشارکت می کنند

گروه خبر امرداد ـ بم ـ هیاتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به سرپرستی حجت‌الاسلام مهدی کروبی از مناطق زلزله زده بازدید کرد.

به گزارش خبرنگار امرداد ، رئیس مجلس شورای اسلامی به همراهی هیاتی متشکل از ۲۶ تن از نمایندگان ، وزیر آموزش و پرورش ،دکتر نوربالا ریاست جمعیت هلال احمر و عده‌ای از کارشناسان و مهندسان ، در روز شنبه ۱۳ دی ماه به منطقه بم عزیمت کردند.

این هیات که با یک فروند هواپیمای اختصاصی وارد بم شده بود ، توسط یک دستگاه اتوبوس از نقاط مختلف این شهر مصیبت زده دیدن کرد .

خبرنگار امرداد از بم گزارش داد که این هیات پس از بازدید از محل اسکان زلزله زدگان به بررسی مسایل و مشکلات آنان پرداخت. بازدید از بیمارستان های اهدایی نیز یکی دیگر از مواردی بود که مورد بازدید نمایندگان قرار گرفت. در این رابطه بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی اهدایی کشور اوکراین و بیمارستان اهدایی سازمان ملل مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

آخرین مکانی که مورد بازدید این هیئت قرار گرفت مجموعه تاریخی ارگ بود. خسرو دبستانی نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی در این باره اظهار امیدواری کرد همچنانکه مسئولان میراث فرهنگی کشور قول مساعد داده‌اند بازسازی این بنای تاریخی که بخشی از هویت ملی ایرانیان است با جدیت آغاز شود.

نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی که در یک گفتگوی تلفنی با خبرنگار امرداد صحبت می کرد ضمن قدردانی از کمک‌های همکیشان خود به زلزله زدگان شهر بم از زرتشتیان خواست تا در بازسازی این شهر در حد توان خود مشارکت کنند.

بازسازی تالار خسروی باز هم به مشکل برخورد

گروه خبر امرداد ـ تهران ـ نبودن نقشه تاسیسات ساختمان بزرگترین مشکل کنونی بازسازی تالار خسروی است .

خداداد راسخی خرمی یکی از اعضای انجمن زرتشتیان تهران که مسوولیت هیات بازسازی سالن خسروی را به عهده گرفته است‌در نشست هیات مدیره با بیان این مطلب پیشنهاد داد که مهندسین مشاور پروژه های بازسازی تالار خسروی ، جهت ادای توضیحات در مورد نقشه های تاسیسات به هیات مدیره دعوت شوند .

خدایار معاونت که پیش از این مسوول بازسازی تالار خسروی بود با اعتراض به نحوه کار گفت : باید شخصی کاردان و فنی مسوولیت کار را به عهده گرفته و وقت خود را کاملا روی این کار بگذارد. وی افزود : در ابتدای کار که من این وظیفه را به عهده داشتم به مدت ۵ ماه روزی ۱۸ ساعت را مشغول به کار بودم .

وی با بیان کردن این مطلب که مهندس مشاور بنای یادبود که در قصر فیروزه ساخته می شود از ۱۲٪ حق مشاوره برخوردار است ولی مهندس مشاور پروژه بزرگ بازسازی تالار خسروی فقط از ۴٪ حق مشاوره برخوردار است ، این اختلاف را منصفانه ندانست .

وی افزود :با این وجود ما باز هم شاهد بودیم که در یکی از نشریات داخلی خودمان ، کاریکاتورهایی در این مورد کشیده می شد !

بنا براین گزارش از نوروز سال ۸۱ تا امرداد ماه ۸۱ به مدت ۵ ماه تالار خسروی به دلیل بازسازی تعطیل بوده است که طبق آماری که توسط ماهنامه فروهر منتشر شده است حدود ۱۲۰ میلیون تومان خرج برداشته است که به نظر می رسد هزینه های انجام شده بیشتر از این رقم باشد .

در ادامه این نشست گزارشی از جلسه اضطراری شنبه ۶ دیماه که برای تصمیم گیری در مورد زلزله زدگان بم برگزار شده بود از سوی رستم تیرانداز‌یان نایب رییس انجمن زرتشتیان که با نبود رستم آبادیان ریاست نشست را به عهده داشت‌داده شد .

در این جلسه تصمیم گرفته شده است که کمک ۱۰ میلیون ریالی به زلزله زدگان بم اختصاص داده شود . بعد از رای گیری ، این تصمیم تصویب شد و پیشنهاد احداث یک باب مدرسه در شهر بم از طرف یکی از اعضاء هیات مدیره داده شد که به کمیسیون فرهنگی ارجاع شد تا با بررسی بیشتر به هیات مدیره آورده شود . همچنین تصویب شد تا این ۱۰ میلیون تومان در اختیار نهاد ریاست جمهوری قرار گیرد .

دراین نشست همچنین پیشنهاد خرید یک دستگاه آمبولانس ویژه جابه جایی درگذشتگان از طرف یکی از هموندان هیات مدیره داده شد که این مورد نیز با اکثریت آراء به تصویب رسید ولی برای استعلام به کمیسیون خدمات ارجاع شد .

در ادامه این نشست نامه ای از طرف بازرسان انجمن به هیات مدیره داده شد که با تاکید بر تاریخ اتمام هیات مدیره این دوره که سوم تیر ماه ۸۳ است تذکر داده شد که هرچه زودتر انتخابات برگزار شود . به علت اینکه احتمال دارد تایید برگزیدگان از سوی وزارت کشور مدتی به درازا بکشد .

بنابراین گزارش حدفاصل بین دوره هیات مدیره پیشین با هیات مدیره جدید امور انجمن به دست هیات رییسه اداره می شود که متشکل از رییس ، نایب رییس ، دبیر و خزانه دار است .

در حاشیه :

نایب رییس انجمن (رستم تیر اندازیان) در پاسخ به بازرس انجمن (فرامرز پوررستمی) که گفت چرا موضوع مدرسه سازی در منطقه زلزله زده بم را پیش از ارجاع به کمیسیون فرهنگی و اعلام نظر کمیسیون ، در جلسه هیات مدیره مطرح می کنید ، گفت : چون برای این جلسه هیچ موضوع دیگری نداشتیم ، این موضوع را مطرح کردم .بازرس نیز در پاسخ گفت : خدا را شکر که همه مشکلات انجمن حل شده است .

برای نخستین بار از سوی یک جوان زرتشتی

بازی رایانه‌ای آموزش دین دبیره طراحی شد

گروه خبر امرداد ـ تهران ـ لوح فشرده (CD) آموزش کامل حروف دین دبیره با بازی های رایانه ای از سوی یک جوان زرتشتی طراحی و به بازار آمد .

این مجموعه برای نخستین بار از سوی اسفندیار خسرویانی از جوانان متخصص زرتشتی در امور رایانه طراحی و ارائه شده است . در این مجموعه با استفاده از امکانات رایانه ای مانند انیمیشن (پویانمایی) ، گرافیک ، صدا، بازی و... به آموزش نوآموز پرداخته می شود .

این مجموعه شامل بخش آموزش کامل حروف دین دبیره به همراه انیمیشن های زیبا ،آموزش گام به گام اشم وهو به دین دبیره و حرف نویسی واژه به واژه در محیطی شاد و جدید ، ارائه سه مدل بازی کمک آموزشی دین دبیره (برای اولین بار) ، سه بند از گاتها به دین دبیره و حرف نویسی واژه به واژه به همراه صدا ، سروش واج ، واژه نامه تصویری کوچک و زیبا ، زندگی نامه کوتاهی از اشوزرتشت ، اندرزنامه آدرباد مارامسپند به دین دبیره و حرف نویسی ، راهنمای تصویری مجموعه ، یک saver Screen زیبا که شامل سه بند از گاتها است و راهنمای کامل مجموعه است .

این اثر بدون نیاز به نصب از روی cd اجرا شده و نیازی به نصب برنامه و یا فونتی اضافه ندارد. همچنین راحتی کار کاربران این برنامه طوری طراحی شده است که می تواند بر روی کامپیوتر نصب شود.

این مجموعه در مراسم بزرگداشت ۳۰۰۰ سال فرهنگ زرتشتی معرفی شد و به تایید کمیته علمی بزرگداشت رسیده است . نسخه دوم این مجموعه با صداگذاری کامل همراه با رفع اشکالات و عرضه بازی های جدید به زودی ارائه خواهد شد . دوستداران می توانند از طریق نشانی www.ahoora.7p.com و یا پاست الکترونیک esfandkh@yahoo.com به آگاهی های بیشتری در این مورد دست یابند .

به دنبال دومین فصل کاوش در کول تاریکه کرفتو کشف شد

مهر منقوش به انسان و الهه ربانی در کرفتو

میراث خبر: یک مهرسنگی منقوش به انسان و الهه ربانی به دنبال دومین فصل کاوش در کول تاریکه کرفتو کردستان کشف شد.

این مهر سنگی در داخل یکی از گورهای باستانی محوطه تاریخی کول تاریکه کرفتو قرار داشت. اما پس از نقش قبر ، از داخل گورها ، اشیای فلزی و تعدادی ظروف سفالی منقوش و یک مهر سنگی سیاه رنگ به دست آمد. بر یک طرف این مهر نقش انسان و بر طرف دیگر نقش یک الهه ربانی حک شده است.

به گفته «حسن رضوانی» سرپرست محوطه باستانی کول تاریکه کرفتو «این برای اولین بار است که یک مهر سنگی در داخل گور در منطقه کندستان کشف می شود.»

کشف این مهر می تواند کمک بزرگی به تعیین دوره تاریخی این گورها و قدمت آن بکند. همچنین با رمزگشایی نحوه قرار دادن مهر در داخل گور، می توان به آداب مردم شناسی و نحوه زندگی گروهی از اقوام ایرانی ، دست پیدا کرد. در فصل اول کاوش در محوطه کول تاریکه کرفتو، ۱۱ قبر شناسایی و اشیای آن از خاک بیرون آمد. در دومین فصل کاوش نیز سه قبر دیگر شناسایی شد و از داخل یکی از این قبرها مهر سنگی منقوش شده کشف شد.

همچنین محوطه ای به طول ۳۰ کیلومتر از غار کرفتو تا نزدیکی روستای «یوز باش کندی» شناسایی و به صورت سیستماتیک بررسی شد.

تاکنون مشخص نشده که محوطه کول تاریکه کرفتو و آثار اطراف آن با تپه زیویه مرتبط است. اما به گفته سرپرست محوطه کول‌تاریکه کرفتو «اشیای به دست آمده در گورها، با اشیای به دست آمده از تپه زیویه مطابقت می‌کند. بدین ترتیب احتمال می رود که این گورها متعلق به دوران مانایی باشند.»

محوطه کول تاریکه کرفتو یکی از ناشناخته‌ترین مکان های باستانی ایران است که روی آن کارهای پژوهشی باستان شناسی انجام نشده است. از سال ۱۳۷۵ توجه سازمان میراث فرهنگی به غار کرفتو و محوطه های اطراف آن جلب شد. اولین فصل کاوش در این منطقه در سال ۱۳۸۰ انجام شد. دومین فصل کاوش در محوطه باستانی کول تاریکه کرفتو نیز تا دوم دی ماه ادامه داشت .

به دلیل فصل سرما در مناطق کوهستانی غربی ایران، کار باستان شناسی با دشواری های بسیاری روبرو شده است. بهترین فصل برای کاوش های باستان شناسی در مناطق کوهستانی اواخر تابستان یا اوایل پاییز است.

تختی برایم نمرده است

عکس و تنظیم از مهین دهنادی

گفتگوی آرش کسروی با خیر الله امیری

به یاد دارم که تختی در زلزله بوئین زهرا با دستان خودش برای زلزله زدگان کمک جمع آوری کرد . او در کوچه های شهر به راه افتاد و تا ظهر نشده یک گونی پر از پول برای زلزله زدگان برد و بین آنها قسمت کرد .

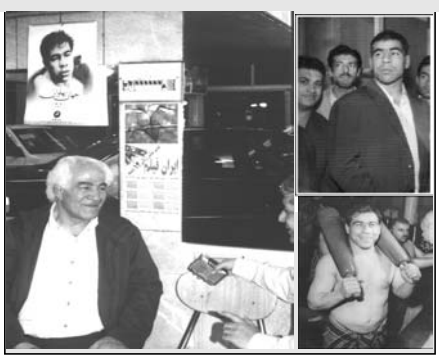

«تختی»با لباس سفید و یک دسته گل اولین کسی بود که به استقبال حریفش در فرودگاه آمده بود، او با تمام مردانگی اش و در حالیکه خنده بر چهره داشت چشم در چشم «امیری»دوخت و روبرویش ایستاد، آن دو پهلوان در آن لحظه همچون دو دوست و رفیق بازوان یکدیگر را فشردند ، نه همچون دو حریف .

این قشنگترین صحنه ای بود که در سال ۱۳۶۳ پس از بازگشت امیری از مسابقات جهانی کشتی در فرودگاه مهرآباد، توسط یک خبرنگار عکاس به ثبت رسید و تیتر اول روزنامه های آن زمان شد و امروز آن عکس در تابلویی بزرگ بر گوشه ای از دیوار نمایشگاه اتومبیل امیری تکیه کرده است .

به غیر از آن تابلو نزدیک به ۲۰ عکس دیگر هم در یک قاب بزرگ جای داده شده که همه از مسابقات تختی ، امیری و خاطراتشان بود .

با خیر الله امیری در نمایشگاه اتومبیل که درست روبروی بیمارستان امام است . گفتگو کردیم ، نمایشگاهی که تقریبا هیچیک از ماشین هایش را به یاد ندارم اما چهره امیری در میان تابلو ها و عکس های قدیمی را کاملا به یاد می آورم ، هنگام گفتگو او در گوشه ای از نمایشگاه نشسته بود و درست بالای سرش کمی پایین تر از بقیه عکس ها ،عکسی از چهره تختی نصب شده بود، در طول مصاحبه شاید بیشتر از ۱۰ بار به آن عکس ها خیره شدم ،در آن دو ساعتی که با امیری گفتگو کردیم او از جایش تکان نخورد انگار در آنجا خود را در کنار تختی و خاطراتش احساس می کرد . در صحبتهایش هر گاه از گذشته یاد می کرد ناخود آگاه به سوی تابلوی بزرگ عکس ها بر می گشت ، لحظه ای نگاه می کرد و دوباره ادامه می داد، وقتی از اولین پیکارش با تختی پرسیدم آنچنان به حریف تختی بودن افتخار می کرد که شکست در میان حرف هایش گم شد...

آقای امیری چند سال حریف جهان پهلوان تختی بودید و اولین بار در چه وزنی با او کشتی گرفتید؟

حدود ۱۲ سال حریف تختی بودم ،اولین بار در وزن ۷۷ کیلوگرم با او کشتی گرفتم و بعد ها هم تا وزن ۱۰۰ کیلوگرم حریف او بودم

به نظر شما چرا تختی را همه دوست دارند؟

چون اخلاق و رفتارش خوب بود، من در آن ۱۲ سالی که حریفش بودم هیچگاه ندیدم که کسی از او دلخور باشد، همیشه در اردوها چه تهرانی و چه شهرستانی ها را نصیحت می کرد که بد اخلاقی و دعوا نکنند و به مردم کمک کنند و همیشه نصیحتش به ورزشکاران این بود که به خاطر قدرتی که دارند به دیگران زور نگویند، کارهای خیر انجام دهند تا مردم هم به ورزش علاقه شوند.او خودش همیشه به مردم کمک می کرد، به یاد دارم که تختی در زلزله بوئین زهرا با دستان خودش برای زلزله زدگان کمک جمع آوری کرد. او در کوچه های شهر به راه افتاد و تا ظهر نشده یک گونی پر از پول برای زلزله زدگان برد و بین آنها قسمت کرد.

آقای امیری کمی هم از خودتان بگویید . چند سال دارید و از چه زمانی کشتی را آغاز کردید؟

من در سال ۱۳۱۲ در شهر ری به دنیا آمدم و از سال ۱۳۳۰ کشتی را شروع کردم ، بعد از ۲ سال تمرین مداوم در مسابقات آبادان قهرمان سوم کشور شدم و بعد از آن مسابقات بود که مورد تشویق قرار گرفتم و باعث شد علاقه مندی ام به کشتی بیشتر شود. بعد از آن زمان هم در مسابقات داخلی و جهانی زیادی شرکت کردم و مقام های مختلف بدست آوردم .

چه سالی ازدواج کردید و چند فرزند دارید ؟

در سال ۱۳۳۹ ازدواج کردم و دو پسر و یک دختر دارم .

رابطه خانواده تان با کشتی چگونه است؟

همسرم هیچ مخالفتی با کشتی ندارد و همیشه دلم از این بابت قرص بوده و دو پسرم نیز به کشتی و بسکتبال علاقه مند بودند، اما در دوران جوانی شان جنگ شروع شد که یکی سرباز بود و دیگری در نیروی هوایی خدمت می کرد اما در نوجوانی با آنها زیاد کشتی می گرفتم و امروز هم مسابقات کشتی را دنبال می کنند.

مربی هم بودید؟

بله من سال های سال مربی باشگاه دخانیات بودم و شاگردانم رضایی ، کلامی ، سلیمانی و ... بودند که چند سال پیش بر اثر ضربه خوردگی از مربی استعفا دادم و شغل آزاد روی آورده ام .

برخورد مردم با شما چگونه است آیا به دیدنتان می‌آیند ؟

مردم همیشه یاور ما ورزشکاران بوده اند، بله گاهی اوقات می بینم که دوستی یا رهگذری وارد می شود و کمی با هم صحبت می کنیم وکسانی هم که وارد نمایشگاه من می شوند برای خرید اول از همه عکس ها و تابلوها را می بینند و خیلی وقتها شده که به خاطر اینکه من ورزشکار بودم و از قبل مرا به یاد دارند به اعتماد گذشته و ورزشکاری من با ما معامله می کنند.

آخرین وزنی که کشتی گرفتید چه بود؟

۱۱۰ کیلو گرم .

بد ترین آسیب دیدگیتان چه بود ؟

در مسابقات کشتی پهلوانی در کاخ مرمر گردنم صدمه دید که تا حدود یکسال در بیمارستان بازرگان تحت مداوا بودم .

نظرتان راجع به دوپینگ چیست ؟

در دوران ما کسی از قرص ودارو استفاده نمی کرد، به هر حال دوپینگ برای بدن ضرر دارد وراه قدرتمند شدن نیست . برای قوی شدن ما بیشتر ورزش می کردیم و تغذیه سالم داشتیم .

آقای امیری به نظر شما کم شدن زمان و سرعت کشتی در مسابقات امروزه چگونه است؟

به یاد دارم که در زمان ما یکسره و بدون استراحت در ۱۲ دقیقه کشتی می گرفتیم . بعد ها ۱۲ دقیقه به ۹ دقیقه تبدیل شد و بعد هم شش دقیقه و ما وقتی جزو پیشکسوتان بودیم در ۶ دقیقه کشتی می گرفتیم ، باید بگویم که سرعت کشتی خیلی کم شده ، داورها زود اخطار می دهند و زود هم امتیاز ، آن زمانها به یاد دارم که ده تا بیست تا زیر می گرفتیم اما داورها اخطار نمی دادند.

نقش مربی به غیر از تمرین در طول مسابقه چقدر مهم است؟

مربی خیلی تاثیر دارد، مخصوصا پای تشک خیلی می تواند با حرفهایی که می زند به کشتی گیر کمک کند، ما هم گوشمان به مربی بود که چه می گوید تا اجرا کنیم . مثلا به یاد دارم در مسابقات ایران و ترکیه حبیب الله بلور نشسته بود و به من می گفت گوشت به من باشد اگر ببری تیم ایران برنده است و اگر ببازی هم تیم ایران بازنده است و با کمک حرفهای این مربی تیز و فهمیده حریف را شکست دادم .

به غیر از کشتی چه ورزشی را دوست دارید ؟

وزنه برداری ، فوتبال و هر ورزش و مسابقه ای که خوب و جذاب باشد را دوست دارم چه ایرانی وچه خارجی .

در حال حاضر هم مسابقات کشتی را تماشا می کنید؟

بله . همیشه تماشا می کنم . حتی شده به خاطرش کار مان را هم تعطیل کرده ام و به استادیوم رفته ام و کشتی گیران جوان را تشویق کرده ام .

موقع بیکاری چه می کنید؟

پیاده روی و مطالعه می کنم و یا تلویزیون تماشا می کنم . گاهی اوقات هم با دوستان قدیمی از گذشته صحبت می کنیم .

زرتشتیان را چقدر می شناسید ، آیا خاطره ای از آنها دارید ؟

زرتشتیان را می شناسم . در همین همسایگی ما چند خانواده هستند . به یاد دارم که نزدیک سال ۱۳۴۱ یک دوره مسابقات در هندوستان بود که به آنجا رفتیم . وقتی وارد فرودگاه شدیم ، فکر کردیم فقط رئیس فدراسیون کشتی و خبرنگارها می آیند ، اما در فرودگاه جمعیت زیادی بود که ما ابتدا ترسیدیم و فکر کردیم اتفاقی افتاده و بعد گفتند که اینها ایرانی های زرتشتی شما هستند که آمده اند استقبال ، آنقدر خوشحال شدیم که در آن لحظه فکر کردیم وارد ایران شده ایم . آنها در تمام مسابقات ما را تشویق و یاری کردند که متشکریم .

آقای امیری ، خوشبختی را در چه می بینید ؟

خوشبختی در آن است که انسان یک زندگی مختصری همراه با خانواده و دوستان داشته باشد و در کنار آن با آنچه علاقمند است سرگرم شود، ممکن است موسیقی ، درس ، خانواده ، ورزش و یا هر چیزی باشد مهم آن است که آدم با علاقمندی هایش خوشبخت است و این خود ما هستیم که برای خودمان دلگرمی به وجود می آوریم و باعث دلشادی خودمان می شویم.

و اما سوال آخر ،روزی که خبر فوت تختی را شنیدید کجا بودید؟

من نزدیک یک هفته قبل از فوتش او را دیدم ،خیلی چاق شده بود ،حدود ۱۲۰ کیلو شده بود، گفتم بیا باشگاه دخانیات تمرین کنیم و با هم قرار گذاشتیم بعد از آن من به مسافرت رفتم . وقتی برگشتم دم در باشگاه دخانیات روزنامه را به دستم دادند و گفتند تختی خود کشی کرده و بلافاصله رفتیم پزشک قانونی و بعد هم در ابن بابویه او را به خاک سپردند، اما باید بگویم که تختی برای من نمرده است، او با تمام خاطراتش برایم زنده است.

مردم در مردم

پاسخ خانم بامسیان به نامه فریدون آتشبند

مدتی است که گروه گاتاپویان تبدیل به بحث روز شده است . خانم بامسیان ، یکی از خوانندگان امرداد ، نامه ای در پاسخ به نامه آقای آتشبند که چندی پیش در امرداد چاپ شده بود نوشته اند که با هم می خوانیم :

ای اهورامزدا، بشود ما نیز چنین یاران راستین تو از کسانی باشیم که جهان را نو و زندگانی را تازه می گردانند .

جناب آقای آتشبند: تمام ما ادعا داریم که زرتشتی و پیرو اشوزرتشت بوده و آموزه های او را سرلوحه زندگی خود قرار می دهیم ، ولی متاسفانه هنوز اولین فرموده آن بزرگ مرد را که اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک است فقط بصورت شعاری قبول داشته و در زندگی خود کمتر به آن عمل می نماییم ، و اگر کسی هم اعتقاد داشت و براه درست رفت بهر صورت ممکن او را تحقیر و سرکوب می نماییم. همانند شما که اختلافات شخصی خود را با آقای یزدانی به میان کشیده و از آبرو و حیثیت گروهی که در راه آموزش دینی و گسترش گفته های اشوزرتشت فعالیت می کنند هزینه می نمایید.

شما چگونه قضاوت کرده و به این نتیجه رسیده اید که کلام مانتره جوانان ما را به راه فساد و تباهی می کشاند. پس جوانانیکه به این زیبایی گاتها را آموخته اند و هر ساله در مسابقات مانتره شرکت می کنند از کجا آموخته و از چه کسی یاد گرفته اند. مگر نه اینکه اکثرا از آموزش دیده های گروه گاتاپویان هستند. آیا جوانانیکه با کلام گاتها و اندیشه های اشوزرتشت آشنا نشده اند ممکن است براه فساد و گمراهی کشیده شوند و هر حرف و حدیث ناحقی را قبول کنند؟

نمی دانم این چه بینشی است که در ادیان دیگر تمام سعی و تلاش بر این است که با تبلیغات و تشویق و حتی اجبار جوانان را به طرف آموزشهای دینی و یادگیری اصول و مفاهیم دین جذب کنند ولی ما حتی اگر افرادی هم در جامعه پیدا شوند که با ایمان و علاقه و فداکاری به این مهم اقدام نمایند به هر وسیله و هر تهمت و افترایی که ممکن است آنها را دلسرد و از عملشان جلوگیری می نماییم. راستی اشکال کار در کجاست ؟ چرا هیچوقت به فکرمان نرسیده است که مشکلات را ریشه یابی و آنرا از بین ببریم بجای آنکه روز بروز آنرا بیشتر گسترش دهیم.

بر عکس تصور ما جوان امروز دارای خرد و اندیشه است و خیلی بهتر و روشنتر از گذشته می اندیشد و چه بهتر که این فکر و اندیشه در راه ایمان و افتخار به زرتشتی بودن و سازندگی و پیشبرد جامعه زرتشتی بکار رود. مسلما این جوان خواسته هایی دارد که بعضی از افراد سنتی با افکار بسته نمی توانند آنرا درک یا بپذیرند از این رو شمشیر خود را از رو بسته و حتی ابایی ندارند از اینکه فرد یا افرادی را به دادگاه کشیده و با آبروی آنها بازی کنند.

شما مسوول به پاسخگویی هستید که در کجای دنیا و در کدام دین و آیینی رسم است که کسی را که با تمام عشق و علاقه و از خود گذشتگی و بدون هیچ چشمداشتی در دهات و مکانهای مختلف به جوانان کلام خدا را می آموزد و آنها را به درست اندیشی و درست کرداری راهنمایی می کندخطاکار بدانند- چشم دلتان را باز کنید و با روشن بینی و پیروی از آموزشهای اشوزرتشت همازوری ، همیاری و همکاری را در جماعت گسترش دهید و نخواسته باشید یک عده جوان توسری خور و بله قربان گو تحویل جامعه دهید.

و اما انجمنهای زرتشتیان در هر کجا که باشند نمایندگان آن برگزیده مردم هستند حالا به نسبت کم و زیاد بودن رای در هر صورت مردم آنها را انتخاب می کنند(از جمله انجمن زرتشتیان یزد)پس باید در خدمت مردم باشند نه بر علیه آنها . همیشه هم تا بوده و هست جواب های ، هوی است . پس اگر از جانب گروه های گاتاپویان هم صحبتی شده عکس العملی به عمل آنها بوده است. همانطور که این گروه راه راست و گفتار اشویی را برگزیده اند مطمئنا زیر بار حرف زور هم نخواهند رفت مگر نه اینکه اشوزرتشت در گاتها فرموده :(ای کسانیکه به اندیشه نیک دلبسته اید. خشم از خود دور بدارید و در برابر ستم بایستید. و برای گسترش راستی به رادان پاک بپیوندید، تا به بارگاه اهورامزدا راه یابید.) یسنا ۴۵ بند ۷ .

آیا بهتر نیست بجای این حرف و حدیث ها و این کشمکش ها که توسط شخص شما ها به روزنامه امرداد کشیده شده با آنها معقولانه تر و عادلانه تر رفتار نمود و اختلاف فیمابین را با مصلحت اندیشی و گفتگو برطرف نمود.

بیایید با جوانانمان بیشتر از این همفکری و همکاری کرده و راه درستی را که انتخاب کرده اند سرکوب نکنیم . چون نتیجه آن سرخوردگی جوانان از دین و جماعت و تاسفی ماندگار برای شما و امثال شما خواهد بود.

(باشد که دوستی و برادری که آرزوی همه ماست، به ما روی کند و دلهای مردان و زنان زرتشتی را شادمان گرداند تا هرکس در پرتو اندیشه نیک و یا بش خود از پاداش شایسته برخوردار گردد، پاداشی که اهورامزدا در پرتو راستی برای هر آرزومندی بر نهاده است) یسنا ۵۴ بند ۱۰

سپاس و قدردانی

خانم شیرین جمشیدی مبلغ یک میلیون ریال به هفته نامه امرداد کمک نقدی کرده اند .

از سوی همه یاران امرداد آرزوی کامکاری و تندرستی و شادزیوی برای ایشان و خانوده ارجمندشان داریم

خوانندگان

ساخت ماوس‌هایی که تنها به صاحبش اجازه استفاده از کامپیوتر را می‌دهد

مرکز پژوهش کارخانجات رایانه سازی فوجیتسو در ژاپن برای تقویت امنیت استفاده از کامپیوترها ماوس هایی ساخته است که تنها به صاحبش اجازه استفاده می دهد . گزارش این مرکز حاکی است که ماوس های جدید با استفاده از حرکت سیاهرگ کف دست می تواند صاحبش را شناسایی کند . روی بدنه این ماوس پنجره کوچکی وجود دارد که در داخل آن یک حسگر مادون قرمز و یک دوربین کار گذاشته است . سازندگان توضیح دادند که حرکت سیاهرگ در افراد مختلف متفاوت است و دوربین مزبور با استفاده از پرتوهای مادون قرمز آن را شناسایی می کند . در صورت ثبت حرکت سیاهرگ کف دست در این ماوس ، تنها همان فرد قادر به استفاده از آن خواهد بود . کار شناسایی تنها یک ثانیه پس از گذاشتن کف دست روی ماوس انجام می گیرد .

به گفته سازندگان ، آزمایش های انجام شده روی ۷۰۰ نفر نشان داده که کار ماوس ها دقیق بوده و اشتباهی بروز نکرده است . تدابیر امنیتی رایج در استفاده از کامپیوترها اکنون به شکل استفاده از کلمات رمز عبور برنامه ریزی شده که پژوهشگران کانون فوجیتسو امیدوارند استفاده از ماوس‌های جدید را جایگزین آن کنند .

تولدت مبارک

تهران — روزماه ایزد و آذر ماه برابر با ۶ آذر ماه سال ۱۳۸۲

زادروز نازنین نوایزدان

دخت فرناز خدادادی و سهراب نوایزدان

تهران — روزاردیبهشت امشاسپند ودی ماه برابر با ۲۷ آذرماه‌سال ۱۳۸۲

زادروزسامان کاوسی

پور پریسا اورمزدی و پیمان کاوسی

دبیر سرویس- آرش کسروی
همکاران: ناتاشا آتشبند ، آرمیتا خوشرو، مهین‌دخت دهنادی ، لیلا رفیع زاده، بهزاد شاه گشتاسبی ، هومن یگانه

سبد مرغ

روغن ماهی به بیماران سرطانی کمک می کند

تحقیقات تازه نشان داده است که مصرف قرص های مکمل روغن ماهی می تواند کیفیت زندگی برخی از بیماران سرطانی رابه طور چشمگیری بهبود بخشد . پژوهشگران بریتانیایی می گویند که روغن ماهی ممکن است بتواند از کاهش شدید آب و وزن بدن که در برخی از انواع سرطان های پیشرفته رخ می دهد جلوگیری کند. کاهش آب و وزن بدن به دلیل تاثیر منفی که بر سوخت و ساز و همچنین اشتها می گذارد ، باعث بیماری های مضاعف در بدن بیمار سرطانی و سرعت مرگ او می شود.

پروفسور کوین فیرون و همکارانش ۲۰۰ بار مبتلا به سرطان لوزه المعده را که بیش از سایر بیماران از کاهش وزن و آب بدن متاثر بودند ، مورد مطالعه قرار دادند.

بیماران به دو دسته تقسیم شدند:

از ۱۰۵ نفر از آن ها خواسته شد یک محلول غذایی مکمل ، حاوی مقدار زیادی از پروتئین و کالری بنوشند. در حالی که ۹۶ بیمار گروه دوم همان رژیم غذایی را دنبال می کردند اما به آن ها اسید های چرب ضروری اومگا۳ و ویتامین های ش و ز هم داده شد. اسید های چرب اومگا۳ درماهی روغنی مانند ماهی آزاد و شاء ماهی یافت می شود.

به هر دو گروه از بیماران گفته شد برای هشت هفته هر روز ۲ لیوان از این مایع را بنوشند. در مورد گروه دوم این وعده روزانه شامل ۲/۲ اومگا۳ بود.

پیش از آغاز تحقیقات ، بیماران به طور متوسط ۱۷ درصد از وزن بدن خود را از دست داده بودند و وزن آنها هر ماه ۳ کیلوگرم کاهش یافت . این درحالی بوده است که همه بیماران طبق قراردادی که با آن ها گذاشته شده بود دو لیوان مکمل غذایی را در روز مصرف نکرده بودند بلکه به طور متوسط ۵/۱ لیوان از این مکمل مصرف کرده بودند.

تحلیل های بیشتر نشان داد بیمارانی که وعده روزانه را تقریبا به طور کامل نوشیده بودند بیش از دیگران وزن اضافه کردند. در حالی که طول عمر این بیماران بیش از افراد گروه اول نبود اما کیفیت زندگی آن ها بهتر شد.

یادها و یادگارها

خاطرات بابا رستم (۴)

همیشه دوست داشتم روزنامه بخوانم و این جزء عادت روزانه من شده بود. هر روز روزنامه کرایه می کردم و می خواندم و پس می دادم اما اربابم (یعنی شوهر خواهرم) از این امر ناراضی بود می گفت اینجا جای کار است نه خواندن . البته در این گیر و دار بساطی پیش آمده بود که آنها ورشکست هم شدند و شاید یکی از دلایل عیب جویی هایشان هم همین بود. از طرف دیگر بین شرکا دعوایی پیش آمده بود. تا اینکه تصمیم گرفتم به بمبئی پیش پدرم بروم و از این گیر و داد خود را خلاص کنم. مرحوم جمشید موافقت کرد و من با دلیجانی به سمت یزد حرکت کردم . اینبار با دلیجان (کالسکه چهار اسبه)۱۳ روز بیشتر طول نکشید . چند روزی پیش مادر ماندم و پس از کسب اجازه از او به سمت بمبئی حرکت کردم . باز کجاوه بود و شتر . کجاوه ای کرایه کردیم و بیست نفر چند ساعتی از شب رفته حرکت کردیم و صبح زود در ۱۸ کیلومتری یزد بیتوته کردیم و مجددا روز بعد حرکت کردیم و روز بعد به سیرجان رسیدیم . در سیرجان گفتند خروج چهل شتر به سمت بندرعباس خطرناک است و حتما غارتمان خواهند کرد.

تصمیم گرفتیم چند نفر تفنگچی بگیریم و حرکت کنیم . این شد که ۵ نفر تفنگچی از قرار روزانه ۵ تومان گرفتند و غافله حرکت کرد. چند فرسخی که طی شد صدای تیر بلند شد و بعد تفنگچی ها گفتند خواهیم دید کی جرات دارد که قافله را بزند بعد فهمیدیم کسی نبوده فقط این کارها را کردند که روز تمام شود و پولی بگیرند شب دوم آرام بودند و شب سوم باز عده ای از آنها از قافله فاصله گرفتند و به سمت قافله تیر می انداختند و تفنگچی های اطراف قافله هم جواب آنها را با تیرهای هوایی می دادند. روزهای دیگر هم همینطور سپری شد تا به بندر عباس رسیدیم .

بندرعباس بندرگاه کوچکی بود که لب دریا واقع شده بود. کوچه های کثیف و بازاری که بوی ماهی مشام را پر می کرد. ما هم در یک منزل وقفی زرتشتیان که چند اتاق گلی داشت منزل کردیم . بعدا توسط یک دلال ، ورقه خروج (پاسپورت)گرفتیم و با پرداخت ۱۷ ریال فقط با قونسولگری انگلیس اجازه ورود به بمبئی را گرفتیم و روز بعد با کشتی بخاری که وسط دریا لنگر انداخته بود به سمت بمبئی حرکت کردیم.

چون دفعه اولی بود که با کشتی سفر می کردیم چیزهای جالبی برایم پیش آمد.ما با زورقهایی تا پای کشتی رفتیم . به مجرد رسیدن به کشتی زورقچی ها صدای بخصوصی درآوردند که ما اول ترسیدیم و گفتیم شاید کشتی غرق شده بعد فهمیدیم این سر و صدا ها مال بالا رفتن به کشتی و بستن طناب زورق به کشتی است . بعد از پله ای که به کشتی آویزان بود بالا رفتیم در این حین یکی از همراهان یزدی ما به آب افتاد اما او را نجات دادند.

دبیر سرویس
پریسا رستمی
همکاران
این شماره:
فیروزه ماوندادی، ژاله خوشرو،
بهاره کیومرثی ، فریبا سرداری، بهمن دهنادی ، الیکا نقابی،
گوزل قاسمیان، بهروز شادلو ، مریم حرمان

خوب بخوانید

امیر کبیر

به مناسبت سالگرد درگذشت امیر کبیر :

رمیده از عطش سرخ آفتاب کویر
غریب و خسته رسیدم به قتلگاه امیر
زمان ، هنوز همان شرمسار بهت زده
زمین ،هنوز همین بخت جان لال شده !
جهان هنوز همان دست بسته تقدیر !
هنز نفرین می بارد از درو دیوار
هنوز نفرت از پادشاه بد کردار
هنوز وحشت از جانیان آدمخوار
هنوز لعنت بر بانیان آن تزویر
هنوز دست صنوبر به استغاثه بلند ،
هنوز بید پریشیده ، سر فکنده به زیر
هنوز همهمه سروها که :«ای جلاد
مزن ! مکش ! چه کنی ؟ هان؟!
ای پلید شریر !
چگونه تیغ زنی بر برهنه در حمام ؟
چگونه تیر کشانی به شیر در زنجیر ؟
هنوز ،آب ما به سرخی زند که در رگجوی
هنوز ...هنوز...هنوز
به قطره قطره گلگونه ، رنگ می گیرد
از آنچه گرم چکیده از رگ امیر کبیر !
نه خون، که عشق به آزادگی ، شرف انسان
نه خون ، که داروی غم های مردم ایران !
نه خون ، که جوهر سیال دانش و تدبیر
هنوز زاری آب ،
هنوز ناله باد ،هنوز گوش کر آسمان فسونگر و پیر
هنوز منتظر اینم تا زگرمابه
برون خرامی ، ای آفتاب عالمگیر
نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
تو را ز کنگره عرش می زنند صفیر !
به اسب و پیل چه نازی که رخ به خون شستند
در این سراچه ماتم ، پیاده ، شاده ،وزیر !
چون او دوباره بیاید کسی ؟
محال ... محال ...
هزار سال بمانی اگر ،
چه دیر ...
چه دیر ...

زنده یاد فریدون مشیری

شعر نیمایی

تو را دوست دارم چون نان و نمک

ناظم حکمت پیشگام شعر نو ترکیه در سال ۱۹۰۲ در سالونیک به دنیا آمد . پدرش کارمند وزارت امور خارجه و پدربزرگش «ناظم باشا»از ماموران عالی رتبه عثمانی بود. ناظم در نخستین سال های جوانی وارد مدرسه نظامی نیروی دریایی شد. اما پس از اشغال استامبول توسط نیروهای متفقین درجنگ جهانی اول آنجا را ترک کرد و در شرق ترکیه به کار تدریس مشغول شد. در سال ۱۹۲۲ برای تحصیل به مسکو رفت و وارد دانشگاه بین المللی شرق شد. در سال ۱۹۲۴ پس از جنگ استقلال ترکیه به استانبول بازگشت . چند بار به اتهام همکاری با نشریات چپ گرا دستگیر شد و در یک مورد که غیابا محاکمه و به پانزده سال زندان محکوم شده بود، مخفیانه به شوروس گریخت . در آنجا با مایاکوفسکی آشنا شد و مدتی با «میرهولد»کارگردان پر آوازه تئاتر شوروی همکاری کرد. در سال ۱۹۲۸ به دنبال یک عفو عمومی به استانبول باز گشت . اما بار دیگر مورد تعقیب و آزار قرار گرفت . چندین بار دستگیر شد و در یکی از این دستگیری ها مجبور شد یک سال و نیم در زندان بماند. در سال ۱۹۸۳ به اتهام واهی شرکت در یک کودتای نظامی دستگیر شد و در طی دو محاکمه که مجموعا به سی و پنج سال زندان محکوم شد. از این محکومیت دوازده سا ل در زندان بود که سر انجام با تلاش کمیته بین المللی «آزادی ناظم حکمت» که در آن افرادی نظیر سارتر و پیکاسو شرکت داشتند ، آزاد شد. ناظم در سال ۱۹۵۰ کشورش را ترک کرد و پس از سیزده سال زندگی در غربت ، در ژوئن ۱۹۶۳ در مسکو به دنبال یک حمله قلبی در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد.چنانچه از زندگی نامه ناظم بر می آید اشعار او کاملا تحت تاثیر افکار و عقاید و حتی زندگی سختی است که او در زندان سپری کرده بود، در واقع ناظم با استفاده از قالب شعر دیوان - به ویژه اشعار اولیه اش - و عناصر انقلابی شعر مردمی ، تلفیق تازه ای به وجود آورده است. نکات اساسی که در شعر ناظم حکمت باید مورد توجه قرار گیرد از این قرار است

۱ - در میان اشعار کلاسیک ترک که شعر موزون و تحت تاثیر شعر فارسی و عربی و مخصوصا شعر طبقات مرفه بوده است. شعر امروز ترک که نخست با شعر هجایی آغاز شده است و به صورت شعر آزاد ادامه دارد، شعر ناظم حکمت به تنهایی یک مرحله است. او هیچ سلفی نداشته و آیندگانش هم حتی نتوانستند از او تقلید کنند.

۲- مهمترین ویژگی ناظم حکمت در این است که در عین بهره مند بودن از امکانات کلام موسیقی شعر کلاسیک ترک ، و استفاده از این امکانات کلام موسیقی شعر کلاسیک ترک ، و استفاده از این امکانات در وزن هجایی که وزن شعر عامیانه آناتومی و اشعار «عاشیق» های ترکیه و بیانگر دردها و احساس های طبقات محروم و روستاییان تحت فشار است ، همه این زیبایی ها را در خدمت مبارزه و روشنگری به کار برده است و شور او پتکی است که مدام بر گرده زورگویان و امپریالیسم جهانی فرود می آید

به من گفت بیا ، به من گفت بمان، به من گفت بخند، به من گفت بمیر
آمدم ، ماندم ، خندیدم ، مردم

«ناظم حکمت»

با صدای او اشعار مولانا جانی تازه گرفت ...

به خوبی به یاد می آورم ؛همین چند وقت اخیر را ،روزی که بار دیگر هنر موسیقی ایرانی ، اصالت را به رخ رقیبان کشاند و یک صدا تمام زیبایی یک شعر را امضا نمود و چه قدر دانی از یک شاعر می‌تواند از این فراتر باشد که شعر او را بایک نوای نافذ و یک صدای اصیل به گوش همگان برسانند.

مراسم مختلفی برای مولانا گرفتیم ،از مولانا گفتیم و سعی کردیم در زمانهای کوتاه عظمت یک حماسه را از یک دیوان او درک کنیم ولی شاید هیچ چیز جز شخصیت شعر و کلام او آن قدر نافذ نمی توانست باشد که نام او را تا مدتها پس از یک بزرگداشت در اذهان زنده نگه دارد و چه بهتر که این کار توسط هنرمندی برخاسته از دل مردم و با صدایی آشنا برای آنها باشد، صدایی که یاد آور کوهستانهای بلند غرب کشور عزیزمان ایران است .

اواخرآذرماه کنسرت شهرام ناظری در تالار بزرگ کشور به اجرا در آمد و باز هم سیل مشتاقان او به این مکان سرازیر گشت و او باز هم چه زیبا همراه با گروه هنرمند خود قطعه هایش را سرود. اشعاری که بانوای دف سیاوش ناظری و زخمه کمانچه شروین مهاجر و بربت محمد فیروزی و سه تار مسعود شعاری و تنبک پژهام اخواص در اوج زیبایی فرود و فراز می یافت و من زمانی که غرق در صدای دلنشین او می شدم با خود فکر می کردم که اگر خود شاعر آن را می سرود باز هم کار به این زیبایی و بود و گاه می اندیشیدم که نوای بم ناظری تاکیدی است بر محتوای شعر تا شاید بیشتر فکر کنیم ؟ ولی یقین دارم که مطمئنا خواندن اشعار مولانا با صدای شهرام ناظری که اشعار مولانا برای او گویای سرشت و جوهره واقعی اش است زیبایی را به کمال رسانده است و تو نیاز نیست کردی بدانی یا کرد زبان باشی .

اشعارش با لهجه ای زیبا و آشنا برای هر گوش سروده می شود و زمانی که قبل از شروع اعلام می کند که تمام صندلیهای پشت صحنه خالی مانده تا شهرام ناظری بتواند رودر روی مهمانان خود باشد یا زمانیکه از فردی که بدلایل امنیتی برای سفیر فرانسه از صندلیهای جلوی تالار بلند شده است معذرت می خواهد و یا زمانیکه با وجود ممنوع بودن ورود اطفال زیر ۷ سال یک بچه ۳-۴ ساله را در صندلی کناری خود می بینی که با اشتیاق با کمک پدر سعی دارد اشعار شهرام ناظری را درست بخواند یا زمانیکه ناظری برای تشویق بلند مدت مردم از جای بر می خیزد تا در طول تشویق نشسته نباشد، این احساس که سرشت او با سرشت ایرانی یکی است در وجودت اوج می گیرد.

تو حتی نیاز نیست که شعر بدانی یا اشعار مولانا را از حفظ بخوانی تا حال و هوای صدایش و منظور شاعر از اشعارش را درک کنی .

او خواند و خواهد خواند و صدایش ماندگار هست و جاودان خواهد بود و این کنسرت تنها نوعی قدردانی بود از شاعری که اشعارش جوهره وجودی ناظری شده است و شاید بهتر است حرف دل او را از زبان خودش بگویم که :«در طول تاریخ هنرمندانی که موفق به کشف مسیرهای جدید در جهت فرهنگ و هنر گذشته کشورشان شدند توانستند آن فرهنگ را به نسل بعد از خود منتقل کنند

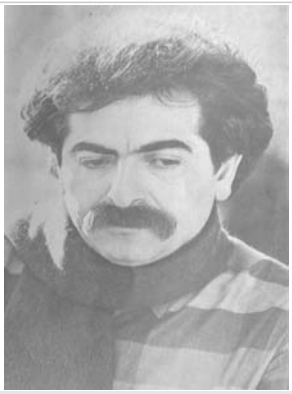

شهرام ناظری :
همیشه به دنبال آواهای گمشده بودم

در پی کنسرت شهرام ناظری خواننده شهیر ایرانی در تالار وحدت دانشجویان مهماندوست دانشگاه صنعتی شریف پذیرای وی در آمفی تئاتر دانشکده خود شدند.

بنابرگزارشی که از این نشست در شماره شصت و چهارم روزنامه دانشگاه صنعتی شریف به چاپ رسیده خواننده شهیر ایرانی در بخشی از سخنانش با اشاره به تاریخچه موسیقی در ایران از قول دکتر زرین کوب گفت : دو قرن سکوت به فرهنگ موسیقیایی ما ضربه فراوان زده و ریتم ها را از دست داده ایم و آنچه که برای ما مانده به دوره صفویه بر می گردد.

شهرام ناظری از آغاز کار خود این گونه گفت : دوست داشتم به دنبال آواهای گم شده بگردم اما منبعی در دست نبود به جز تجربه های شخصی ام . از سال ۵۴ در رادیو تلویزیون آغاز به خواندن کردم و همیشه بزرگترین دغدغه ام این بود که می دیدم اشعار مولوی و ادبیات عرفانی به موسیقی سنتی نمی چسبد . وی افزود : موسیقی سنتی ما متاثر از فضای تعزیه بوده و نخستین خواننده های ما از ۱۵۰ سال پیش تا کنون در درجه اول روضه خوان بوده اند تا هنرمند آوازه خوان . وی گفت : همیشه به دنبال کلید لحنی می گشتم که باید در اجرای غزلهای مولوی از آن استفاده کنم و می دانستم این کلید را در کلاسهای آواز که تنها در آنها اشعار سعدی در موسیقی سنتی آموزش داده می شد نخواهم یافت . وی نوع نفس کشیدن را هم در پیدا کردن ردیف های آوازی دیگر شاعران کهن ایران دخیل دانست و گفت : برعکس اشعار سعدی و موسیقی سنتی که در هنگام خواندن آنها نفس مستقیما از دهان بیرون می آید ، من در اجرای آثار مولوی که سرشار از پویش و حرکت است نفس را در دهان می چرخانم و معتقدم این در انتقال حس این اشعار بسیار موثر است.

کسی که از چیز کمی خوشبخت نمی شود از هیچ چیز خوشبخت نخواهد شد

«اپیکور»

چنان نما که هستی ، نه چنان باش که می نمایی.

«بایزید بسطامی»

مثل شیرینی

اون آدم خیلی خوبیه ،اینقدر شیرین که نگو
همیشه می خنده ، با همه مهربونه
همه دوستش دارن
منم باید عاشقش می شدم ...
اما مشکل اینجاست که همه عمر
نمیشه شیرینی خورد!
کاش با این همه مهربونی ، بعضی وقتها هم عصبانی می شد.

فرانک ژاکوبز

ایران زمین

سگ در ایران باستان

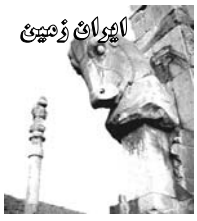

کورش قاسمیان

در میان یک میلیون و چهارده هزار جانور گوناگون از چرنده و پرنده و خزنده سگ اهلی ترین آنهاست و پیش از هر جانداری یار مردمان است،زودترین جانداری است که با آدمی خو می گیرد،کهن ترین جانوری است که رام آدمی گردید،باید دانست که ایرانیان برزیگر و گله پرور در مرز و بومی پر از گرگ از پشتیبانی سگ بی بهره نبوده اند و آزردن و کشتن این جانور را گناه بزرگ می دانستند.

این جانور در اوستا سپن span و در سانسکریت سون svan خوانده شده .

در بخش هشتم از نامه پهلوی دینکرد سخن از شانزدهمین نسک می گوید این نسک دارای ۶۵ فرگرد است و یکی از این فرگردها نامزد است به پشوش هئوروستان (pashu-haurvstan) یعنی قوانین درباره سگ شبانی که خلاصه آن چنین است :

اگر شبانی از سگی خشنود باشد و بداند که به نحوی از عهده کارش بر می آید ،به پاسبانی گله و رمه اش می گمارد.

سگی که به خدمت شبانی گماشته شده ، به پاسبانی گله هماره گوشاست ، هر گاه چشم بیدارش به دزد یا گرگی که آهنگ گله کرده ، افتد خروش بر آورد.

سگی که همیشه پاسبان گله است خوب می داند که بره یی که در میان گله است از آن کدام مادر است . هر چند هوا ناسازگار باشد و باد و دمه رنج رساند سگ از نگهداری گله روی برنگرداند و آسیب ناگهانی را دریافته گوسفندان را از گزند طوفان برهاند .

از میان ۱۰ سگی که در اوستا شمرده شده :

سه گونه از آنها که سگ شبانی ، سگ خانگی و سگ شکاری باشد برما معلوم است و برای شناخت هر یک صفتی مشخص آورده شده است سگ سپن (span) شبانی با صفت پسوش هئوروpasush-haurva آمده ،به معنی جانور اهلی و چارپای خانگی و در بندهش از برای سگ چوبانی در پهلوی سگ چوپان آورده شده است.

سگ خانگی در اوستا با صفت ویش هئوروشر Vish-haur آمده ،به معنی جانور اهلی و چارپای خانگی و در بندهش از برای سگ چوپانی در پهلوی سگ چوپان آورده شده است.

سگ خانگی در اوستا با صفت ویش هئورو شر vish-haur یاد شده از واژه ویش که به معنی خانه و سراست . در پهلوی ، چنانکه در بندهش یاد شده ، سگ مان پان شده یعنی سگ خان و مان بان .

سگ شکاری صفت و هونزگ vahunazga آمده یعنی از پی خون رونده ، بوی خون دریابنده .

آنچه در نامه دینی ایرانیان بجا مانده بخوبی می‌رساند که ایرانیان در روزگار پیشین تا به چه اندازه نیازمند پاسبانی این جانور بودند و تا به چه اندازه بایستی به جانوری که مایه آسایش آنان بوده اهمیت داده باشند و نگهداری آن را تکلیف دینی و کار نیک بشمارند. (برگزیده از وندیداد)

(اگر سگ شبانی نبود هر آینه در روی این زمین اهورا آفریده من ،خان و مانی پایدار نماندی .

اگر کسی سگ شبانی و شکاری هنرمند را بکشد روانش در روز پسین به هراس و بیم افتد و چنان خروش و ناله بر آرد که گویی گرگی به دام سختی دچار آمده خروش بر آورد .

گناه کسی که به یک سگ شکاری خوراک ندهد با گناه خورش ندادن به یک مهمان پارسا یکسان است .

اگر سگی بانگ نزند ، برای اینکه هوشش را یافته و دیوانه شده و از آن گزندی به گوسفندان و مردمان رسد باید سزایش داد و در پی درمانش بود آنچنان که مردمان را درمان کنند.

از غیرت و بانگ سگ ، در خان و مانی دزد یا گرگ نادیده نماند و چیزی ربوده نشود سگ بهش کمی همانند است)

در نامه پهلوی بندهش در نسک ۳۰ در فقرات ۹-۱۳ آمده که در سر پل چینود یک سگ مینوی به پاسبانی گماشته شده تا روان درگذشتگان را راهنمایی کند- و در نسک ۱۹ فقره ۳۳ ،خروس از برای همستاریه (ضدیت) دیوان و جاودان آفریده شده ، اوست همکار سگ اندر دین گوید در میان آفریدگان جهان ، خروس و سگ در بر انداختن دشمنان از همکاران سروش هستند.

بند هش بخش نهم

سگ را گوید که از ستاره پایه است، که از آن چیت ستاره هفت اورنگ است و او را برای پاسبانی گوسفندان (به فاصله) یوجیشتی از مردمان فراز آفرید چونان آمیزه ای از جانوران و مردمان - از آن روی سگ خوانده شود که سه یک او از مردمان است. او را چابک خویش - موزه و خیوش - جامه و بیخواب و کوشا و بیدار و چهارده دندان و تیز دندان و رمه - سالار آفرید، زیرا آن رمه ای از گوسفندان دیرتر پاید که با آن سگی بود. بدان پربیم ترین گاه که شیر ، و بدان کم (بیم ترین گاه) که شغال رسد پاسبانی کند.

به نام توانای بزرگ

کاش آنروز خورشید زودتر بیدار می شد. آنقدر زود که دیو زمین جرات نمی کرد اینگونه خانه هایمان را جایگاه ابدی ما کند. کاش می دانستم در کشوری می آموزم و جوانی می گذارم و در شهری ،زیر سقفی به خواب می روم که به راحتی خواهد ریخت بر سر پیکر آرزوهایمان بر سر تلاشها و آموخته هایمان ، بر سر بیگناه ما.

چگونه خانه های ما اینگونه بی بنیاد است در ایرانی که هر ذره اش ثروت است.

بم - شهر خشت های فروریخته من - شهر کودکی ، چگونه حال ، کوچه بازی هایم را بپایم ؟ چگونه همبازی هایم را از زیر آوارها بیرون بکشم ؟ مادرم کجاست؟ اکنون کجاست خواهر کوچکم ؟ دیشب چقدر بیتابی کرد تا در آغوشش بخوابد و تا ابد خوابید - پدر جسدت را نمی یابم - کدام خانه را پیدا کنم که بوی مردانگی تو را بدهد؟ کدام دست ، دست نوازش تو خواهد بود؟ مادر به خواب می ماند این ویرانی - این جنازه ها - زخم ها - حقیقت نیست ، اینجا شهر من نیست . چقدر غریبم اینجا- ! ...

مزارتان کجاست ؟

در سرتاسر این خرابه ها راه می روم و اشک می ریزم ، شهر قبرستان ما شد، کاخی نداشتیم که ویران نشود اما کلبه محقرمان قبرمان شد .

مریم حرمان

همکیش عزیزی از بیداد زمانه گفته بود و پرسیده بود آیا وقتی در تنگنا قرار گرفته چه کرده اید؟

این سوال مرا بیاد شعری از فرهنگ عامیانه برزیلی انداخت که در باور مردم آمریکای جنوبی جای دارد . حیفم آمد آن را برای شما ننویسم . بخوانید و ببینید چقدر تاثیر گذاراست.

مهوش فرجودی

و پای او

- دیشب رویایی داشتم
- خواب دیدم بر روی شن ها راه می رو م ،همراه با خود پروردگار
- و بر روی پرده شب
- تمام روزهای زندگیم را مانند فیلمی می دیدم
- همان طور که به گذشته نگاه می کردم
- در روز به روز از زندگیم
- دو رد پا بر روی شن ها دیده می شد.یکی مال من و یکی از آن پروردگار
- راه ادامه یافت ، تا تمام روزها گذشت و به حال رسید.
- آن گاه ایستادم و با دقت به عقب نگاه کردم
- در بعضی جاها فقط یک رد پا وجود داشت!
- و این جاها درست مطابق بود با سخت ترین روزهای زندگیم ، روزهایی با بزرگترین رنجها و بدترین دردها و غم ها و ترسها ...
- آن گاه از او پرسیدم :
- خداوندا تو به من گفتی که در تمام مراحل زندگی با من خواهی بود و من پذیرفتم که با تو زندگی کنم
- خواهش می کنم به من بگو پس چرا در سخت ترین لحظات زندگی مرا تنها گذاشتی ؟
- پروردگار پاسخ داد:
- «فرزندم ،تو را دوست دارم و به تو گفته بودم که در تمام راه زندگی با تو خواهم بود.
- و هرگز تو را تنها نخواهم گذاشت ، نه حتی برای لحظه ای ،
- و من چنین نکردم .
- هنگامی که در آن روزها یک رد پا بر روی شن ها دیدی، من بودم که تو را به دوش کشیده بودم . »

معرفی واژه های اوستایی

پات

اسم مفعول است از مصدر «پا»که در اوستا و فارسی باستان به معنی نگاهداشتن وپاس داشتن و پناه دادن بسیار به کار رفته است.

از همین ریشه است که در پارسی ، «پاییدن » می گوییم یعنی مراقب کسی بودن؛ «پاد» که در واژه «پادشاه»به کار رفته به معنی پاسبان و نگهبان است.

و همچنین کلمه «آذرپاد»به معنی نگهبان آتش است .

پئیتی دان

این کلمه که در پهلوی به صورت پدام یا پنوم و در فارسی پنام آمده عبارت است از قطعه ای پارچه سفید از جنس پنبه که بر روی دهان آویخته و با دو نوار به پشت سر گره می زنند تا آب دهان و ترشحات به خوراکی آش و یا سایر چیزها نرسد، در قدیم وقتی کسی نزد بزرگی می رفت بایستی برای احترام وادب «پنام»بیاویزد. در ژاپن هم هنوز کسانی که مبتلا به سرما خوردگی و یا چشم درد هستند در مجامع جلو دهان خود را با پارچه سفیدی می بندند که باعث سرایت بیماری می شوند